

آقای اسانلو تو باختی

رضا رخشان

امروز اولین مصاحبه آقای اسانلو (پس از خروج) را در یکی از شبکه های تلویزیونی دیدم. آنطور که شنیده ام گویا ایشان بسلامتی مسئول بخش کارگری موج سبز شده اند .

مبارک است. آقای اسانلو ضمن تبریک مقام حضرت عالی ،خواستم یاد آور شوم که شما در گذشته خیلی بلند پرواز تر بودید. چه اتفاقی افتاده که حالا پادوی سبزها شده اید. سبزهایی که هیچ وقت ما کارگران برایشان مهم نبوده ایم. و اتفاقا آنها خود را نماینده بخش متمدن و تحصیل کرده و طبقه متوسط جامعه می دانستند.

هنوز گفته عباس عبدی از یادم نرفته است که ،اگر رای واقعی ما همان سیزده ملیون باشد ولی کیفیت رای ما از ۲۴ میلیون احمدی نژاد بیشتر است. چرا که در میزان رای ما، مملو از دکتر و نویسنده و کارگردان و نخبه است. درین گفته یک تضاد و یک تحقیر بزرگ نهفته است. تضاد از این لحاظ که، حتی برخلاف ادعای ریاکارانه اصلاح طلبان، یعنی اعتقاد به همان دموکراسی بورژوازی (چرا که از اصول پایه ای دموکراسی (لیبرالی) پذیرش اصل هر نفریک رای می باشد. جدا از شغل و دارایی و پایگاه طبقاتی افراد). واما تحقیر بزرگ اینکه عدم اعتقاد به پذیرش اصل هر نفریک رای ، یعنی توهین و تحقیر نسبت به طبقات فرودست (بخوانید کارگران). یعنی اشرافیت فئودالی. برای انها بسیار دردناک بود که مشتی پابرهنه و پاپتی برایشان رئیس جمهور انتخاب نمایند .

آقای اسانلو دعوی جنبش سبز از اساس فقط همین بود. آن وقت تو به این جماعت پناه برده ای. ای کاش در ایران می ماندی. حتی اگر هیچ کاری نمیکردی و حداقل در حافظه کارگران بعنوان یک قهرمان میماندی. نه این چنین آمال و ارزوهای این طبقه را به مفت نمی فروختی. راستی آقای اسانلو خود را چقدر فروختی؟

برخی از مخالفان تو را با لخ والسا مقایسه می کنند. اما تو نشان دادی که حتی قد و قواره تبدیل شدن به لخ والسا را هم نداری. هر چند که خود لخ والسا هم در خدمت منافع سرمایه درآمده بود و همه میدانیم که در دوران رهبری او بر کشور لهستان چه گندی به منافع طبقه کارگر زد. با اینهمه آقای اسانلو شما حتی وزیر کار که هیچ ، ابدار چی وزیر کار هم نمی شوید. اصولا شما باختید. شما شرافت کارگری خود را هم باختید. رفاقت را باختید. و بدتر از همه اخلاق را هم باختید. آیا جدا فکر میکنی که کارگران ایران به پادوی کسی به نام امیر حسین جهانشاهی که خودش پادو است اجازه این را می دهند که آنها را سازماندهی کند؟ یعنی تو بعد از این همه سال هنوز این قدر این طبقه را نشناخته ای؟ این همه مبارزه کرده ایم، محرومیت کشیده ایم، سختی ها تحمل کرده ایم، زندان رفته ایم، کار خود را از دست داده ایم که بعد شاخه کارگری یک جنبش ضد کارگری بشویم؟ نه همرمزم سابق. بد جور اشتباه کره ای .

به این مصاحبه های ابکی و دوزاری دلخوش میباش بعد از مدتی، مانند خیلی از کسانی که در سنوات اخیر به محض اینکه اسمی در می کردند بلافاصله به دیار کعبه امال خود (یعنی غرب) پناه می بردند. یه چند صباحی بعضا صحبتی می کردند. بعد هم مانند یخ اب میشدند و در دل زندگی خود فرو می رفتند. انشالله انجا حتما خوش می گذره. ما بخیل نیستیم. ولی لطفا دست از سرما کارگران بردار. ما نیازی به پادو و قیم نداریم .

برای تو به عنوان یک همرمزم سابق متأسفم. جنبش ما هم از تو و هم از هر کس دیگری که بخواهد اینطور منافع جنبش را چوب حراج بزند، عبور خواهد کرد. آرزو میکنم که در مسیری که در پیش گرفته ای تجدید نظر کنی و به منافع طبقه ات وفادار بمانی. هر چند امیدی به چنین شهامتی در تو ندارم. برایت واقعا متأسفم .

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

رضا رخشان
11/12/1391